



The semantics of the word "AL-Soo" in the Holy Qur'an and the challenge of will to concentrate its meaning

Ahmad Omidvar^{a*}, Bahman Hadiloo^b, Mirmohsen Hosseini^c

^a Assistant Professor, Department of Exegesis of the Holy Quran, Khomein Faculty of Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Qom, Iran. (omidvar@quran.ac.ir)

^b Assistant Professor, Department of Exegesis of the Holy Quran, Maragheh Faculty of Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Qom, Iran. (hadilo@quran.ac.ir)

^c Master of Quran and Hadith Sciences, Maragheh Faculty of Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Qom, Iran. (seyyed.hosseini1372@gmail.com)

KEYWORDS

Holy Qur'an,
AL-Soo,
semantic aspects,
translation,
concentration meaning.

ABSTRACT

Some words in the Qur'an have different meanings, one of which is the word "AL-Soo". The explanation of these meanings makes it easy to understand the Qur'an And it prevents possibilities from entering in the understanding of the meanings of the Quran, which is often used as a tool for sedition seekers. This article examines the meanings of the word "AL-Soo" in the Holy Quran and evaluates the provided Persian translations of it with a descriptive-analytical method and using interpretations. Looking at the interpretations and translations of the Qur'an, we find that scholars of Islamic and Qur'anic sciences sometimes disagree in choosing the correct meaning of the word "AL-Soo" in different verses. This case shows the importance of investigating this issue. These differences of opinion become more evident by examining the provided translations of the word. The reason for these differences of opinion can be found in the excessive attention paid by the translators to the famous meanings and concentration of words in the Holy Quran. This is one of the most common and famous challenges facing translations, and most of the translations suffer from this type of damage. . According to the context of the verses, the context and role of the word "Al-Soo" in various places in the Holy Quran, twelve precise meanings can be expressed for it. The most famous of them are: severity and difficulty, sin, bad end. But the translators have sometimes provided a not very accurate and correct meaning for this word, which is not suitable for the position of the verse and the word.

معنا شناسی واژه «سوء» در قرآن کریم و چالش اراده معنای ارتکازی از آن

احمد امیدوار^{الف*}، بهمن هادیلو^ب، میرمحسن حسینی^ج

^{الف} استادیار، گروه تفسیر قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی خمین، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران omidvar@quran.ac.ir

^ب استادیار، گروه تفسیر قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی مراغه، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران hadilo@quran.ac.ir

^ج کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی مراغه، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

seyyed.hoseini1372@gmail.com

چکیده	واژگان کلیدی
برخی الفاظ قرآن دارای وجوه معنایی متفاوتی هستند که از جمله آنها لفظ «السوء» است. تبیین این معانی راه را برای درک و فهم قرآن آسان می‌نماید و مانع از ورود احتمالات در فهم معانی قرآن می‌شود که غالباً دستاویزی برای فتنه‌جویان است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از تفاسیر به بررسی معانی واژه «السوء» در قرآن کریم و ارزیابی ترجمه‌های فارسی ارائه شده از آن پرداخته است. با نگاهی به تفاسیر و ترجمه‌های قرآن درمی‌یابیم که دانشمندان علوم اسلامی و قرآنی در انتخاب معنای صحیح واژه «السوء» در آیات مختلف گاهی اختلاف نظر دارند؛ که این امر بیانگر اهمیت بررسی این موضوع است. این اختلاف نظرها با بررسی ترجمه‌های ارائه شده از لفظ خودنمایی بیشتری می‌کند. ریشه این اختلاف نظرها را می‌توان در توجه بیش از حد مترجمان به معانی مشهور و ارتکازی الفاظ در قرآن کریم جست که یکی از رایج‌ترین و مشهورترین چالش‌های پیش روی ترجمه‌هاست و غالب ترجمه‌ها دچار این نوع آسیب هستند. با توجه به سیاق آیات، بافت و نقش واژه «السوء» در جای‌جای قرآن کریم دوازده وجه معنایی دقیق را می‌توان برای واژه «السوء» بیان کرد که مشهورترین آن‌ها عبارتند از: شدت و سختی، گناه، فرجام بد.	قرآن کریم، سوء، وجوه معنایی، ترجمه، معنای ارتکازی، تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۲، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

دلالات کلمة "السوء" في القرآن الكريم وتحدي إرادة معناه المشهور

أحمد أميدوار الف^{*}، بهمن هاديلو ب^{*}، مير محسن حسيني ج^{*}

الف^{*}. أستاذ مساعد، قسم تفسير القرآن الكريم، كلية علوم القرآن بخمين، جامعة علوم القرآن الكريم ومعارفه، قم، إيران omidvar@quran.ac.ir

ب^{*}. أستاذ مساعد، قسم تفسير القرآن الكريم، كلية علوم القرآن بمراغه، جامعة علوم القرآن الكريم ومعارفه، قم، إيران hadilo@quran.ac.ir

ج^{*}. ماجستير في علوم القرآن والحديث، كلية علوم القرآن بمراغه، جامعة علوم القرآن الكريم ومعارفه، قم، إيران

seyyed.hoseini1372@gmail.com

الملخص	الكلمات المفتاحية:
<p>لبعض الكلمات في القرآن معان مختلفة، ومنها كلمة "السوء". كشف هذه المعاني يسهل فهم القرآن ويمنع من دخول الظن والاحتمال في فهم معاني القرآن الذي يُستخدم غالباً كأداة لأعداء القرآن. يبحث هذا المقال في معاني كلمة "السوء" في القرآن الكريم وقيم الترجمات الفارسية المقدمة له باستخدام المنهج الوصفي التحليلي. بالنظر إلى تفاسير القرآن وترجماته، نجد أن علماء المسلمين والقرآن يختلفون أحياناً حول المعنى الصحيح لكلمة "السوء" في آيات مختلفة. هذا يدل على أهمية التحقيق في هذه القضية. تصبح هذه الاختلافات في الرأي أكثر وضوحاً من خلال فحص الترجمات المقدمة لهذه الكلمة. يمكن العثور على علل هذه الاختلافات في الرأي في الاهتمام المفرط من قبل المترجمين بالمعاني المشهورة للكلمات في القرآن الكريم وهو من أشهر التحديات التي تواجه الترجمات وأكثرها شهرة وتعاني معظم الترجمات من هذا النوع من الخطأ. بحسب سياق الآيات ودور كلمة "السوء" في مواضع مختلفة من القرآن الكريم، يمكن التعبير عن اثني عشر معاني دقيقة لهذه الكلمة وأشهرها: الشدة والخطيئة والنهاية السيئة.</p>	<p>القرآن الكريم، السوء، الوجه الدلالية، الترجمة، المعنى المشهور. تاريخ الاستلام: ١٤٠٢/٠٤/٢٢ تاريخ المراجعة: ١٤٠٢/٠٥/١٥ تاريخ القبول: ١٤٠٢/٠٦/٢٠</p>

مقدمه:

قرآن کریم اصلی‌ترین راهنما و منبع برای شناخت دین مبین اسلام است؛ در واقع اسلام، دین جهان‌شمول و قرآن نماینده آن است؛ که «تَبَيَّنَا لَكُلِّ شَيْءٍ» می‌باشد. لذا فهم آیاتش برای محققین مسلمان و پیروان ادیان دیگر بسیار اهمیت دارد.

یکی از مهمترین مباحث در حوزه قرآن کریم کشف صحیح معنای واژگان آن است. در حقیقت درک معانی این کتاب آسمانی ارتباط بسیاری با درک واژگان آن دارد؛ لذا شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات مفردات قرآن کریم امری ضروری است که به کمک آن می‌توان معنای دقیق و صحیح واژگان را فهمید. عدم توجه به این مسئله باعث برداشت‌های نادرست پژوهشگران قرآن می‌شود و راه احتمال را در فهم معنای آیات قرآن باز می‌کند و گاه موجب اشتباه و گاه دستاویز برای فتنه جویان می‌شود. پس درک صحیح قرآن در آن است که پژوهشگر تمامی وجوه محتمله آیات را بداند و بتواند صحیح را از سقیم جدا سازد.

یکی از چالش‌ها یا به تعبیر دیگر لغزشگاه‌های درک معنای الفاظ قرآن کریم توجه به معنای ارتکازی و مشهور آنهاست که همواره پژوهشگران بسیاری را با مشکل مواجه کرده است و گاهی به ورطه اشتباه افتاده‌اند و موجب ابلاغ فهم و درک نادرست از آیات قرآن به مخاطب شده‌اند. پیش از این نیز پیامبر اکرم (ص) و امام (ع) از قرار گرفتن در این خطر انذار داده و ارشاد کرده‌اند. در این خصوص پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله وسلم) فرموده‌اند: «القرآن ذلول ذو وجوه، فاحملوه علی احسن الوجوه». (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۶)، یا امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز فرموده‌اند: «القرآن حمال ذو وجوه» (نهج البلاغه: نامه ۷۷) (قرآن تاب معنای گوناگون دارد) هر یک از آیات کشف معنای مختلفی را دارند لذا باید اندیشید تا راه درست برای رسیدن به معنای صحیح را یافت.

یکی از واژگان قرآن کریم که دارای معنای متعددی است واژه «السوء» است که به همراه مشتقاتش از واژگان نسبتاً پرکاربرد قرآن کریم نیز به شمار می‌رود. در این تحقیق تلاش می‌شود با نگاهی دقیق‌تر به واژه «السوء» اولاً صحیح‌ترین وجه معنایی این واژه در جای جای قرآن کریم معلوم شود؛ و ثانیاً برابریی علما از جمله مترجمان ارزیابی شود. اهمیت کشف معنای واژگان قرآن کریم بر هیچ قرآن پژوهی پوشیده نیست؛ چرا که بررسی دقیق و کشف معنای صحیح این واژه کمکی مهم به محققان و متدبران قرآنی خواهد بود که به معنایی صحیح‌تر از کلام الله برسند.

سابقه پژوهش:

برخی از کتبی که در زمینه وجوه واژگان قرآنی، به رشته تحریر درآمده‌اند به معناشناسی این واژه پرداخته‌اند مانند کتاب «الاشباه و النظائر فی القرآن الکریم» نوشته مقاتل بن سلیمان بلخی، «وجوه قرآن» از ابوالفضل حبیب بن ابراهیم تغلیسی، «معتبرک القرآن فی اعجاز القرآن» از سیوطی، «الاشتراک اللفظی فی القرآن الکریم بیت النظریه و تطبیق» از محمد نورالدین المنجد، «الوجوه و النظائر» ابوهلال العسکری و «بررسی زبان‌شناختی وجوه و نظائر در قرآن کریم» از سلوی محمد العوی می‌باشد. همچنین تمامی معاجم لغت از جمله التحقیق فی کلمات القرآن مصطفوی یا مفردات راغب را نیز می‌توان به عنوان پیشینه این مقاله قلمداد کرد. در کتب و پژوهش‌های یاد شده تمامی دوازده وجه معنایی معرفی شده در این مقاله برای واژه «السوء» معرفی نشده و صرفاً به ذکر برخی از آنها اکتفا کرده‌اند ولی در این تحقیق تلاش می‌شود با نگاهی دقیق‌تر به واژه «السوء» اولاً تمامی معنای مستعمل آن در قرآن کریم معرفی گردد و ثانیاً صحیح‌ترین وجه معنایی این واژه در جای جای قرآن کریم معلوم شود.

علاوه بر این تحقیقاتی چند در ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با پژوهش حاضر نگارش یافته‌اند مانند پایان نامه «بررسی لغزش‌های مترجمان معاصر قرآن کریم در ترجمه واژگان دارای وجوه و نظائر» نوشته آقای مرتضی باقری در بهمن ۱۳۹۶؛ و پایان نامه «نقش سیاق و اشتراک معنوی در وجوه واژگان گناه» از خانم نعیمه سالمی در سال اسفند ۱۳۹۱. وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های مذکور این است که برای کشف معنای هر واژه نظر عده‌ای از مفسران مشهور ملاک معنا قرار گرفته است، سپس بر

اساس آن و کتب وجوه و نظایر معنا و وجه صحیح واژه و مشتقات آن را در جای جای قرآن کریم با نگاه به بافت موقعیتی و سیاق مورد بررسی قرار گرفته و ثانیاً عملکرد مترجمان در این زمینه ارزیابی شده است حال اینکه پژوهش‌های سابق به طور کامل و جامع و با استناد به تفاسیر معتبر ترجمه این واژه را با تتبع و تعمق ارزیابی نکرده‌اند.

سوالهای پژوهش:

- ۱) معنای واژه «السوء» در آیات مختلف قرآن کریم چیست؟
- ۲) عملکرد مترجمان فارسی زبان در ترجمه‌های قرآن کریم و ترجمه تفاسیر در اراده معنای مناسب واژه «السوء» در قرآن کریم چگونه بوده است؟
- ۳) مترجمان فارسی زبان تا چه میزان در ترجمه این کلمه در قرآن کریم تحت تاثیر معنای ارتکازی لفظ اقدام کرده‌اند؟

پردازش موضوع:

«السوء» به فتح سین نعت و صفت برای هر چیزی که بد و زشت است. از فعل «سَاءَ يَسُوءُ» که لازم است گرفته شده است. و «السوء» به ضم سین اسمی برای تمام آفات و بدی‌ها (صاحب بن عباد، د.ت، ج ۸: ۴۱۵) «سین، واو، همزه» که معنای آن قبح و زشتی است. گفته می‌شود: «رجل أسوأ أي قبيح» یعنی مرد زشت و بدچهره یا «إمرأة سوءة أي قبيحة» یعنی زنی که زیبا روی نیست. قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «سوءاً ولودٌ خيرٌ من حسناء عقيم» (زن زشت منظر که فرزند آور است (برای ازدواج) بهتر از زن زیبا روی نازاست.

ابوزید می‌گوید:

لَمْ يَهَبْ حُرْمَةَ النَّدِيمِ وَ حُقَّتْ يَا لِقَوْمِي لِّلسَّوَاءِ السَّوَاءِ

(ابوزید الطائی، ۱۹۶۷: ۲۸)

بنابراین «سوء» یعنی هر چیزی که انسان را از امور دنیوی یا اخروی و حالات نفسانی و بدنی و همچنین بخاطر از دست رفتن مال و جاه و از دست رفتن دوست اندوهگین و غمین سازد. نتیجه اینکه واژه «السوء» بر هر چیزی که زشت، بد، ناگوار و آلوده آور است اطلاق می‌شود که نقطه مقابل آن حسن یعنی خوبی است.

با بررسی دقیق واژه «السوء» (همراه با افعال و اسماء مشتق شده از آن) ۷۸ بار، واژه «سینه» ۵۷ بار، واژه «مسیء» یک بار، واژه «سیء» ۲ بار و واژه «ساء» ۲۶ بار در قرآن تکرار شده است؛ که جمعا ۱۶۴ بار این واژه با مشتقاتش در قرآن تکرار شده است. واژه «السوء» ذو وجوه بوده و معانی دیگری را نیز حمل می‌کند. لذا در ادامه به معرفی معانی این لفظ و ارزیابی اراده معنایی مترجمان از آن می‌پردازیم که چگونه در این مسیر دچار خطای توجه بیش از حد به معنای ارتکازی و مشهور لفظ شده‌اند.

معانی «سوء» در سیاق قرآنی و آسیب اراده معنای ارتکازی از آن

وجه اول: شدت

یکی از معانی مستعمل لفظ «سوء» در قرآن کریم، شدت و سختی می‌باشد که از جمله موارد استعمال آن می‌توان به این آیات اشاره کرد: (... يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ...) (بقره: ۴۹) و (أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ) (نمل: ۵) دانشمندان نیز بر این معنا تصریح کرده‌اند (عسکری، ۱۴۲۸: ۲۴۷-۲۴۹) (حیری نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۰۰-۳۰۲) (دامغانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۴۰۶-۴۰۹) (تفلیسی، ۱۳۷۱: ۱۳۷-۱۳۸، ۱۴۱-۱۴۲) (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۹۰) (احمدیان، ۱۳۸۲: ۳۷۲) (الابیاری، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۹۰). در ادامه به معرفی معنای صحیح این لفظ و نقد اراده معنای یکی از استعمالات قرآنی این واژه در ترجمه‌های فارسی می‌پردازیم.

ارزیابی اراده معنا در ترجمه‌های فارسی

(وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٍ) (بقره: ۴۰)

بحث در این آیه در مورد ترجمه دقیق عبارت (يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ) است. «سوء» در این عبارت نقش مفعول به دوم را دارد (صافی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۲۴) (دره، ۱۴۳۰، ج ۱: ۱۴۹) که عذاب به آن اضافه شده است. اگر «یسومونکم» را به معنای «یعذبونکم» بدانیم در این صورت عبارت «سوء العذاب» مفعول مطلق است و تأکیدی برای «یسومونکم» است (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱: ۹۹). در این صورت نیز «سوء» معنای شدت و سختی عذاب را می‌دهد در تفسیر غریب القرآن ابن قتیبه (۲۷۵ه.ق) این عبارت را به معنای «یلونکم اشد العذاب» گرفته یعنی به شدت عذاب، به شما تحمیل می‌کردند (ابن قتیبه، ۱۴۱۱: ۴۹). در تفسیر کشف زمخشری و تفسیر جوامع الجامع طبرسی «سوء» را مصدر «السیء» آورده و معنای آن را شدت عذاب می‌داند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۳۸-؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۴)

ترجمه‌هایی که «سوء» را در این آیه به «بدی» ترجمه کرده‌اند عبارتند از:

ترجمه رضایی، تفسیر روان جاوید، تفسیر روض الجنان، ترجمه فرقان، ترجمه صفی علیشاه، ترجمه عاملی و ترجمه یاسری.

ترجمه‌هایی که «بدترین» ترجمه کرده‌اند عبارتند از:

ترجمه برزی، تفسیر بیان السعاده، حجه التفاسیر، ترجمه سراج، ترجمه شعرانی، ترجمه کاویانپور، ترجمه مشکینی، ترجمه مصباح زاده، ترجمه مکارم، تفسیر نور (خرم دل)، ترجمه تفسیر نسفی.

اراده معنای ارتکازی سوء که همان بدی و امور ناپسند می‌باشد چالشی است که بسیاری از مترجمان را به هنگام ترجمه واژه به اشتباه انداخته است و ترجمه نه چندان دقیقی ارائه کرده‌اند. با توجه با آرای مفسران در مورد عبارت «سوء العذاب»، بافت و نقش واژه «سوء» و سیاق آیه و همچنین دیدگاه علمای وجوه، وجه «شدت و سختی» بهترین وجه برای واژه مذکور در این آیه می‌باشد.

وجه دوم: عقر (پی کردن)

معنای دومی که برای این کاربرد این واژه در قرآن کریم می‌توان نام برد (پی کردن) است. مانند آیات شریفه (وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ) (هود: ۶۴) و (وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ يَوْمَ عَظِيمٍ) (شعرا: ۱۵۶) علما نیز به این معنای سوء تصریح کرده‌اند (حیرری نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۰۰-۳۰۲) دامغانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۴۰۶-۴۰۹) (تفلیسی، ۱۳۷۱: ۱۳۷-۱۳۸. ۱۴۱-۱۴۲) (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۹۰) (احمدیان، ۱۳۸۲: ۳۷۲) (الایباری، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۹۰).

ارزیابی اراده معنا در ترجمه‌های فارسی

(وَأَلِي تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (اعراف: ۷۳).

(سُوءٍ) جارو مجرور متعلق به (تَمَسُّوهَا) است (صافی، ۱۴۱۸، ج ۸: ۴۵۶). با توجه به سیاق آیه که در مورد معجزه حضرت صالح پیامبر (ع) است؛ که به اذن خداوند ماده شتری را از دل کوه سنگی بیرون آورد و خداوند به قوم ثمود فرمود که کاری با آن شتر ماده نداشته باشید که آیتی از سوی خداوند است؛ که در این صورت به عذابی دردناک دچار می‌شوید؛ می‌توان این نتیجه را گرفت که وجه عقر (پی کردن) وجه مناسبی است. طبرسی نیز «عقر» را «زخم زدن» معنا کرده است. و «سوء» را «صدمه زدن». (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۷۸). همچنین در تفسیر جوامع الجامع عقر، نحر (ذبح کردن)، یا هر چیزی که باعث اذیت آن حیوان می‌شود دانسته شده است که برای اکرام آیت خداوندی است (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۴۷).

اما با نگاهی به ترجمه‌ها و ترجمه تفاسیر می‌بینیم معانی دیگری نیز انتخاب کرده‌اند. در ترجمه تفسیر احسن الحدیث، ترجمه پاینده، سراج، شعرانی، صفی علیشاه، عاملی، مصباح زاده، معزی و تفسیر کشف الاسرار به «بدی» ترجمه شده است. این ترجمه‌ها فقط معنای لغوی و ارتكازی واژه «سوء» را در نظر داشته‌اند و به سیاق آیه توجهی ندارند؛ رساندن «بدی» به ماده شتر عبارت مناسبی به نظر نمی‌رسد. در ترجمه الهی قمشهای و بروجردی «قص سوئی» ترجمه شده است که این ترجمه نیز مناسب جلوه نمی‌دهد. در ترجمه دهلوی به «سختی» ترجمه شده است که ترجمه‌ای ناصحیح است.

ترجمه «سوء» در این آیه به «آزار، آسیب، صدمه، گزند، نحر کردن» ترجمه مناسبی است. وجه عقر (پی کردن)، ضربه زدن، نحر کردن، آسیب رساندن (بهترین وجه معنایی «سوء» در آیات فوق است اولاً به دلیل سیاق آیات ذکر شده و ثانیاً فعل استعمال شده برای «سوء»؛ ولی بسیاری از مترجمان ترجمه نامناسبی از این واژه در آیه دارند که به نظر می‌رسد این مساله ناشی از توجه بیش از حد به معنای ارتكازی و مشهور واژه سوء و عدم توجه کافی به سیاق استعمال کلمه باشد.

وجه سوم: زنا

معنای دیگر لفظ سوء در استعمال قرآن کریم زنا است همانند آیات قرآنی (... مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ ...) (یوسف: ۵۱) و (... مَا جَزَاء مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا...) (یوسف: ۲۵) و (يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعْثًا) (مریم: ۲۸) علمای وجوه شناس نیز به این معنای سوء تصریح کرده‌اند (عسکری، ۱۴۲۸: ۲۴۷-۲۴۹) (حیرری نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۰۰-۳۰۲) (دامغانی،

۱۴۱۶، ج ۱: ۴۰۶-۴۰۹ (تفلیسی، ۱۳۷۱: ۱۳۷-۱۳۸. ۱۴۱-۱۴۲) (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۹۰) (احمدیان، ۱۳۸۲: ۳۷۲) (الایاری، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۹۰).

ارزیابی اراده معنا در ترجمه‌های فارسی

(وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ) (یوسف: ۲۴).

«سوء» مفعول به برای فعل «نصرف» است و «فحشا» به آن عطف شده است (صافی، ۱۴۱۸، ج ۱۲: ۴۱۷). آیه اشاره به داستان حضرت یوسف و همسر عزیز مصر است دارد که همسر عزیز مصر قصد حضرت یوسف (ع) کرد ولی خداوند این عمل ناپسند را از یوسف (ع) دور کرد. سیاق آیه و عطف «سوء» به «فحشا» معنای واژه «سوء» را آشکار می‌کند. منظور از فحشا و بدی در این آیه «گناه ناپسند زنا» است که علما آن را تصدیق می‌کنند گرچه اغلب در ترجمه عبارت «زنا» را ذکر نکرده‌اند. علامه طباطبایی نظر متفاوتی نسبت به آیه دارند؛ ایشان می‌نویسند عبارت (لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ) «تا سوء و فحشا را از او بگردانیم»؛ نفرموده (لنصرفه عن السوء و الفحشا) «تا او را از سوء و فحشا دور کنیم». به همین دلیل منظور از «سوء» تصمیم بر گناه و میل به آن است و منظور از فحشا ارتکاب به عمل زشت زنا است. پس یوسف نه این کار را کرد و نه نزدیکش شد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱: ۱۲۹). طبرسی و زمخشری مراد از «سوء» را «بدی و خیانت» می‌دانند. و مراد از فحشا را «زنا» می‌دانند (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۱۸۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۵۸). مکارم «سوء» را «ضربه انتقام جویانه همسر عزیز مصر» می‌داند و فحشا را گناه زنا. یعنی یوسف (ع) از چنگال و ضربه همسر عزیز مصر و گناه زنا در امان ماند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹: ۳۷۲). اما با توجه به بافت و نقش «سوء» در جمله نمی‌توان مراد از «سوء» را «ضربه و چنگال» بدانیم. «سوء» چه به معنای «نیت و قصد زنا» باشد و چه به معنای «گناه زنا» باشد؛ مراد دور شدن یوسف پیامبر (ع) از گناه زنا است. در تاکید این مطلب می‌توان به این حدیث امام صادق (ع) استناد جست که می‌فرمایند: الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) - إِنَّ رِضَا النَّاسِ لَا يَمْلِكُ وَ أَلْسِنَتُهُمْ لَا تَضْبِطُ وَ كَيْفَ تَسْلُمُونَ مِمَّا لَمْ يَسْلَمْ مِنْهُ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ وَ رُسُلُهُ وَ حَجَّجَ اللَّهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَلَمْ يَنْسُبُوا يُوسُفَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى أَنَّهُ هَمَّ بِالزَّانَا. امام صادق (ع) رضایت مردم را نمی‌توان به دست آورد، زیرا زبان‌های آن‌ها قابل ضبط نیست و هرچه بخواهند می‌گویند. شما چگونه می‌توانید از دست و زبان مردم سالم بمانید در صورتی که پیامبران هم از آن سالم نماندند و حجت‌های خداوند از زخم زبان‌ها آسوده نبودند مگر آن‌ها نگفتند که یوسف (ع) (علیه السلام) تصمیم به زنا گرفت. (المجلسی، ۱۴۰۳/۷۰: ۲)

اغلب مترجمان این لفظ را «بدی و فحشا» معنا کرده‌اند. مانند: آدینه‌وند، مکارم، پورجوادی، برزی حجتی و... در ترجمه تفسیر احسن الحدیث «نیت بد و عمل بد» ترجمه شده است. برخی مانند: رضایی، ترجمه طبرسی، ترجمه تفسیر روض الجنان و ترجمه یاسری «بدی و زشتی» نوشته‌اند. ترجمه نامناسبی که از این واژه شده است «پلیدکاری» از گرمارودی است.

انصاریان و مشکینی «قتل نفس و اتهام زنا» را ذکر کرده‌اند. ترجمه پاینده، نوبری، تفسیر نور (خرم دل) و ترجمه تفسیر نسفی «گناه زناکاری» را ذکر کرده‌اند.

آیاتی که در سوره یوسف (یوسف: ۲۴، ۲۵، ۵۱، ۵۳)، مربوط با داستان کامجویی همسر عزیز مصر از یوسف پیامبر (ع) است؛ با توجه به سیاق آیات و بافت آن‌ها و نظر مفسران و علمای وجوه شناس، مراد از واژه «سوء» «زنا» یا «نیت زنا» است. و همچنین در آیه ۲۸ سوره مریم نیز با توجه به سیاق آیه وجه «زناکار» قابل قبول تر است گرچه وجه «گناه کار و بدی» نیز مغایر با مفهوم آیه نیست. برخی از مترجمان به درستی این معنا را از لفظ اراده کرده‌اند و برخی دیگر دچار خطای توجه به معنای ارتکازی شده

و این لفظ را به «بدی» و مترادف‌های آن ترجمه کرده‌اند. علاوه بر بافت و سیاق، روایت ذکر شده نیز مشخص می‌کند که مراد از لفظ، فعل قبیح زنا است.

وجه چهارم: برص (بیماری پیسی)

بیماری برص یا همان پیسی را می‌توان از دیگر وجوه معنایی لفظ سوء در قرآن کریم برشمرد. به عنوان نمونه در آیه شریفه (تَخْرُجُ بَيِّضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ) (نمل: ۱۲ - طه: ۲۲ - قصص: ۳۲) در این معنا به کار برده شده است و علمای وجوه شناس به این مساله اذعان دارند (عسکری، ۱۴۲۸: ۲۴۷-۲۴۹) (حیری نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۰۰-۳۰۲) (دامغانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۴۰۶-۴۰۹) (تفلیسی، ۱۳۷۱: ۱۳۷-۱۳۸-۱۴۱) (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۹۰) (احمدیان، ۱۳۸۲: ۳۷۲) (الایباری، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۹۰).

ارزیابی اراده معنا در ترجمه‌های فارسی

(وَأَضْمُ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجُ بَيِّضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ) (طه: ۲۲)

در تفاسیر مشهور مراد از «سوء» را بیماری «برص یا پیسی» می‌دانند (ابن قتیبه، ۱۴۱۱: ص ۲۳۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۵۹؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۴۱۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۴، ص ۱۴۵). این آیه اشاره به معجزه حضرت موسی (ع) دارد که دستشان را در بغل خود قرار می‌دادند و هنگام خارج کردن نورانی بیرون می‌آمد. به این معجزه در آیات ۳۲ سوره قصص و ۱۲ سوره نمل نیز اشاره شده است. خارج شدن دست نورانی بدون هیچ گزند و آسیبی یعنی دست، هیچ بیماری مثل بیماری پیسی (برص) ندارد.

اغلب در ترجمه‌ها «سوء» را «بی‌عیب، بدون عیب» ترجمه کرده‌اند؛ که قابل قبول است مانند: ترجمه آدینه وند، پورجوادی، حجتی، تفسیر کاشف و... در ترجمه، صفوی، گرمارودی و تفسیر نور خرم دل «بدون بیماری» ترجمه شده است. این ترجمه نیز مناسب به نظر می‌رسد.

صحیح‌ترین ترجمه «بدون مرض برص یا پیسی» است که در ترجمه، انصاریان، برزی، خسروانی، رهنما، شعرانی، عاملی، مصباح زاده، یاسری، طبری، نسفی، تفسیر حجه التفاسیر، بیان السعاده و کشف الاسرار مشاهده می‌شود.

در ترجمه تفسیر احسن الحدیث «بی‌آفت» ترجمه شده گرچه در توضیح آیه اشاره به بیماری برص به نقل از المیزان شده است (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۳۸۵). در ترجمه رضایی و صفی‌علیشاه نیز با توجه به معنای لغوی ترجمه شده است یعنی «بدون بدی» که این ترجمه نیز مناسب به نظر نمی‌رسد.

در آیاتی که اشاره به معجزه ید بیضاء حضرت موسی (ع) دارند (طه: ۲۲، قصص: ۳۲ و نمل: ۱۲)، واژه «سوء» به معنای بیماری «برص یا پیسی» است. اولاً به دلیل سیاق آیات و اشاره به معجزه ید بیضاء حضرت موسی (ع)، ثانیاً به دلیل بافت و نقش واژه «سوء» در آیات و ثالثاً نظر برخی مفسران و علمای وجوه شناس نیز تصدیق‌کننده این دیدگاه است. اکثر مترجمان در اراده معنا از این واژه عملکرد مناسبی داشته‌اند و گرفتار معنای ارتكازی لفظ نشده‌اند.

وجه پنجم: عذاب

عذاب نیز از معانی لفظ سوء در قرآن کریم است که از جمله آن می‌توان این آیات را نام برد: (إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ (نحل: ۲۷) و (لَا يَمَسُّهُمْ السُّوءُ) (زمر: ۶۱) (وَتَذُوقُوا السُّوءَ) (نحل: ۹۴). مثل سایر معانی لفظ، وجوه شناسان به این معنا نیز تصریح کرده‌اند (عسکری، ۱۴۲۸: ۲۴۷-۲۴۹) (حیری نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۰۰-۳۰۲) (دامغانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۴۰۶-۴۰۹) (تفلیسی، ۱۳۷۱: ۱۳۸-۱۳۷. ۱۴۱-۱۴۲) (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۹۰) (احمدیان، ۱۳۸۲: ۳۷۲) (الابیاری، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۹۰).

ارزیابی اراده معنا در ترجمه‌های فارسی

(ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقِقُونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ) (نحل: ۲۷)

طبرسی مراد از «سوء» را «عذاب» می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۵۵۰) و علامه طباطبایی «عذاب شرم آور» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲: ۲۳۳). به استناد اینکه عطف بر «خزی» است. ترجمه‌هایی که «سوء» را به معنای عذاب دانسته‌اند عبارتند از: ترجمه الهی قمشاهی، انصاریان، برزی، پاینده، پورجوادی، خسروانی، کاویانپور، گرمارودی، مشکینی و نوبری؛ که ترجمه صحیحی است. طبری و دهلوی آن را «سختی عقوبت» ترجمه کرده‌اند. ترجمه تفسیر احسن الحدیث، روان جاوید، روض الجنان، و ترجمه صفی علیشاه به «بدی» ترجمه کرده‌اند. یاسری «سوء» را «بدی حال» معنا کرده است. جلال الدین فارسی معنای «سوء» را آسیب دانسته است.

ترجمه «سوء» به «آسیب»، «بدی و بدی حال»، «سختی عقوبت»، «بدبختی و سوء عاقبت» و «رنج، گرفتاری و ناگواری» ترجمه مناسبی به نظر نمی‌رسد. ولی ترجمه «سوء» به «عذاب» با توجه به سیاق آیه که اشاره به کافران و روز قیامت دارد مناسب‌تر است زیرا که در این روز است عذاب شامل حال کافران می‌شود و بدیهی است که سوء برای کافران در روز قیامت همان عذاب است؛ چرا که روز قیامت روز پاداش و مجازات و عذاب است. برخی از مترجمان در این مورد نیز دچار آسیب توجه به معنای مشهور و ارتکازی لفظ شده‌اند.

وجه ششم: کفر و شرک

از جمله معانی لفظ سوء در قرآن کریم کفر و شرک است که در برخی آیات به کار رفته است مانند: (إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ) (بقره: ۱۶۹) و (إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوَاءً) (انبیاء: ۷۷). علمای وجوه شناس نیز چنین عقیده‌ای دارند (عسکری، ۱۴۲۸: ۲۴۷-۲۴۹) (حیری نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۰۰-۳۰۲) (دامغانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۴۰۶-۴۰۹) (تفلیسی، ۱۳۷۱: ۱۳۷-۱۳۸. ۱۴۱-۱۴۲) (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۹۰) (احمدیان، ۱۳۸۲: ۳۷۲) (الابیاری، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۹۰).

ارزیابی اراده معنا در ترجمه‌های فارسی

(الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (نحل: ۲۸))

برای استناد در ارائه این معنا می‌توان به کتاب مجمع البیان استناد کرد که در آن طبرسی در توضیح (الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ...) می‌نویسد به خاطر اصرار به «کفر» به خود ظلم کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۵۵۰). پس منظور از «عمل سوء» در این آیه «کفر» است. همچنین در میزان نیز اشاره به این شده است که آنها سرگرم ظلم و کفر خودشان بودند ولی بعد از آن، از سر تسلیم می‌گویند ما هیچ کار زشتی نکرده‌ایم (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲: ۲۳۴). پس مراد از کار زشت «ظلم و کفر» است. زمخشری منظور از (سُوءٍ) را در این آیه «کفر و دشمنی» می‌داند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۰۲). سمرقندی و ابوالفتح رازی نیز (سُوءٍ) را به معنای «شرک» می‌دانند (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۲۷۱؛ رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۲۸).

در ترجمه‌هایی که از قرآن صورت گرفته است. اکثر ترجمه‌ها (سُوءٍ) را به «بدی» و «کار بد» ترجمه کرده‌اند. طاهری «خلافی» ترجمه کرده و گرمارودی «زشتی». ولی در ترجمه حجة التفاسیر و ترجمه نوبری اشاره به «شرک» شده است. و در تفسیر کشف الاسرار نیز «شرک و کفر یا معصیت» آمده است.

با توجه به مطالب ذکر شده در ذیل آیه ۲۸ سوره نحل بهترین وجه معنایی «سوء» در این آیه «کفر و شرک» است، البته دلیل دیگر نیز توجه به سیاق است که می‌توان به آن استدلال کرد چرا که آیه خطاب به کافران است و در آن مستقیماً کافران را خطاب قرار داده است. در نص آیه نیز آمده است که آنها از در تسلیم گفتند که ما هیچ کار بدی نکرده‌ایم. پس منظور از کار بدی که کفار می‌کنند «کفر» و «شرک» است. در حقیقت سیاق از اصول مهم کشف معانی کلمات قرآن کریم است. حجیت دلالت سیاق و اصل قرینه بودن آن، یکی از اصول عقلایی محاوره است؛ لذا عدم توجه به آن، تفسیری ناقص از قرآن را ارائه و فهم درست از الفاظ را با مشکل مواجه می‌کند. توجه بیشتر و دقیق‌تر به سیاق این معنا را مشخص می‌کند که در واقع معنای اصلی سیاق یعنی استمداد از خود آیات قرآن در فهم مراد کلام خداوند. پس سیاق آیه و نظر مفسران و علمای وجوه ما را به این می‌رساند که منظور از (سُوءٍ) «کفر و شرک» است. ولی اکثر مترجمان قرآن معنای آن را بدی که همان معنای مشهور و ارتكازی واژه است اراده کرده‌اند که دقیق نیست.

وجه هفتم: شتم

دیگر معنای لفظ سوء شتم و بدزبانی می‌باشد که برخی از مصادیق آن در قرآن کریم عبارتند از: (وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ) (ممتحنه: ۲) و (لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ) (نساء: ۱۴۸) و (أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءِ) (نساء: ۱۴۹). علمای وجوه شناس نیز قائل به این معنا هستند.

ارزیابی اراده معنا در ترجمه‌های فارسی

(إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ) (ممتحنه: ۲)

(بالسُّوءِ) جارو مجرور متعلق به (يَبْسُطُوا) است (کرباسی، دت، ج ۸: ۱۴۴). بسیاری از مفسران نیز مراد از (سُوءِ) در آیه را طبق ظاهر آیه «اقدام به آزار، قتل و ...» و «گشودن زبان به سب و شتم (بدزبانی و دشنام)» دانسته‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹: ۲۹۲؛ میبیدی،

۱۳۷۱، ج ۱۰: ۶۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۷: ۲۹۹؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۴۳۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۴۰۶- طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۲۲۸).

(سوء) در این آیه را، آیتی، پورجوادی، کاشف، حجتی، رهنما، طاهری و تفسیر مخزن العرفان به معنای «آزار» ترجمه کرده‌اند. «به آزار دست و زبان گشودن». انصاریان، خسروانی، سراج، صفوی، نوبری و تفسیر نور خرم دل نیز «اقدام به آزار، کشتن و اسارت» و «گشودن زبان به بدگویی، ناسزا و تحقیر» ترجمه نموده‌اند. جلال الدین فارسی «آسیب» ترجمه نموده است که ترجمه مناسب برای این آیه نیست.

با توجه به نص و ظاهر آیه و همچنین سیاق آیه، بافت و جایگاه واژه مورد نظر و نقش آن و نظر مفسران و علمای وجوه، وجه «شتم و ضرب» بهترین وجه معنایی (سوء) در این آیه است. «ضرب» مراد از آزار و اذیت فیزیکی و «شتم» مراد از بدزبانی و زخم زبان زدن است. در این مورد مترجمان گرفتار توجه به معنای ارتکازی و مشهور لفظ نشده‌اند که بیانگر عدم وحدت رویه در ترجمه این واژه است.

وجه هشتم: گناه

گاه مراد از لفظ سوء در قرآن کریم گناه می‌باشد که از جمله آن می‌توان به این آیات شریفه استناد جست: (الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ) (اعراف: ۱۶۵) و (مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ) (انعام: ۵۴) و (ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ) (نمل: ۱۱) علمای وجوه شناس نیز به این معنا تصریح کرده‌اند.

ارزیابی اراده معنا در ترجمه‌های فارسی

(إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا) (نساء: ۱۷)

(السوء) مفعول به و منصوب است (صافی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۴۶۷). و (بِجَهَالَةٍ) جارو مجرور در (السوء) توضیح است. یعنی عمل «سوء» به غفلت و نادانی. ثعلبی، طبرسی، ابوالفتح رازی، میبیدی و زمخشری نیز منظور از (السوء) را «گناه» و عمل قبیح می‌دانند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۳۶؛ رازی، ۱۴۰۸، ج ۵: ۲۹۱؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۴۹- زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۸۸). علامه از عبارت یاد شده در آیه معنای عموم را ذکر می‌کند یعنی منظور از گناه چه گناه کافر باشد و چه گناه مؤمن، اگر از روی نادانی و جهل باشد و نه از روی عناد و طغیان قابل آمرزش است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۲۳۹). طبری و سمرقندی منظور از (السوء) را گناه از طرف مؤمنین می‌دانند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۰۲؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۸۸). در این آیه که خداوند فرموده «گناه» از روی غفلت و نادانی را می‌آمزد؛ هیچ گروه خاصی را مورد خطاب قرار نداده. پس در دو آیه نیز طبق گفته علامه عموم گناهکاران از هر وجهه‌ای مراد است.

اغلب مترجمان (السوء) را در الفاظ مترادف «گناه» ترجمه نموده‌اند مانند کار بد، عمل زشت و ... حال اینکه این نوع ترجمه خدش‌های در مفهوم آیه نمی‌اندازد ولی مناسب است که از واژه «گناه» استفاده شود؛ مانند ترجمه‌های، ارفع، صفوی، فولادوند و نوبری.

طبق سیاق آیه، بافت و جایگاه و نقش واژه «سوء» در آیه، نظر قریب به اتفاق مترجمان، مفسران و وجوه شناسان، وجه «سوء» در این آیه «گناه» است و مترجمان نیز تقریباً عملکرد مناسبی داشته‌اند هر چند به نوعی باز هم گرفتار همان معنای ارتكازی لفظ شده‌اند.

وجه نهم: بدی (فرجام و جایگاه بد)

از جمله معانی مستعمل لفظ سوء در قرآن کریم (فرجام و جایگاه بد) است که از جمله آن می‌توان این آیات شریفه را نام برد: (وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ) (رعد: ۲۵؛ غافر: ۵۲) و (عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوِّ) (توبه: ۹۸؛ فتح: ۶) دانشمندان نیز به این معنای لفظ سوء اذعان دارند.

ارزیابی اراده معنا در ترجمه‌های فارسی

(وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ) (رعد: ۲۵)

در عبارت (لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ) «سوء» مبتدای مؤخر و خبر آن «لهم» است که جارو مجرور و متعلق به محذوف است و «الدار» نیز مضاف الیه است. که به معنای «بئس القرار» (جایگاه بد) که همان جهنم است می‌باشد (دره، ۱۴۳۰، ج ۴: ۷۱۹). طبری، ثعلبی، سمرقندی، طبرسی، میبیدی و مغنیه «بئس القرار» (عذاب جهنم) تفسیر کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۳: ۹۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵: ۲۸۷؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۲۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۳: ۵۹؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۲۸؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۱۹۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۴: ۴۰۰). زمخشری مراد از آن را هم «عاقبت بد دنیا» می‌داند و هم «عذاب بد» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۲۷). علامه در توضیح آیه می‌گویند: «لعنت به معنای دور کردن از رحمت و طرد از کرامت است و ایشان از رحمت و کرامت خدا دور نمی‌شوند مگر به خاطر اینکه حق را کنار گذاشته و در باطل فرو رفته‌اند، چون سرانجام باطل جز نابودی و هلاکت چیز دیگری نیست» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۴۷).

در ترجمه‌ها نیز اشاره به مفهوم «سرای بد» شده است. در ترجمه تفسیر احسن الحدیث «عاقبت بد دنیا» ترجمه شده که مناسب این مقام نیست. دهلوی و الهی قمشه‌ای «سختی دوزخ و سرای» معنا کرده‌اند که این ترجمه نیز مناسب به نظر نمی‌رسد. ترجمه انصاریان، پورجوادی، صلواتی و فولادوند «فرجام بد» است که ترجمه صحیحی است.

با توجه به سیاق آیه و اضافه «سوء» به «الدار» و نقش آن، معنای «جایگاه و فرجام بد» مناسب‌ترین وجه به نظر می‌رسد. نظر مفسران و وجوه شناسان این مطلب را تایید می‌کند که وجه صحیح واژه «سوء» در این آیه «فرجام و جایگاه بد» است. مترجمان در ترجمه این لفظ از معنای مشهور و ارتكازی فاصله گرفته‌اند.

وجه دهم: ضرر

با توجه به سیاق آیات قرآن کریم در کاربرد لفظ سوء و همچنین نظر علمای وجوه شناس و سایر مفسران اینگونه مشخص می‌شود که یکی از معانی و مصادیق لفظ سوء در قرآن کریم ضرر و زیان است. چند نمونه از آیات قرآن که لفظ سوء در آنها بدین معنا به کار برده شده است عبارتند از: (وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ) (اعراف: ۱۸۸) و (وَيَكْشِفُ السُّوءَ) (نمل: ۶۲).

ارزیابی اراده معنا در ترجمه‌های فارسی

(قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) (اعراف: ۱۸۸).

(السُّوءُ) فاعل برای (مسّ) و مراد از آن «فقر، جوع و مرض» است (دره، ۱۴۳۰، ج ۳: ۲۸۲). عسکری وجه «مکروه» را برای واژه (السُّوءُ) در این آیه ذکر کرده که می‌توان گفت این وجه نیز در مفهوم «ضرر» است. طبری، زمخشری و صاحب تفسیر نمونه (السُّوءُ) را «زیان و ضرر» معنا کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۹: ۹۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۸۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۴۶) طبرسی و میبیدی «ضرر» و «فقر» را مراد می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۷۷۹؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۸۰۷).

اغلب مترجمان واژه (السُّوءُ) در این آیه را به مفهوم «ضرر، زیان، بدی» ترجمه کرده‌اند. آیتی آن را «شر» ترجمه کرده، الهی قمشهای و تفسیر بیان السعاده «رنج»، انصاریان «گزند و آسیب»، گرمارودی «بلا» ترجمه کرده‌اند. در تفسیر حجه التفاسیر به «فقر، مرض و رنج» اشاره کرده است. و دهلوی آن را «سختی» ترجمه کرده است.

طبق ظاهر آیه و ابتدای آن که سخن از نفع و ضرر شده است و همچنین نظر علمای وجوه به نظر می‌رسد وجه «ضرر» مناسب‌ترین وجه معنایی (السُّوءُ) در این آیه باشد و معانی دیگری مانند «فقر و مرض و رنج» که مفسران نام برده‌اند مصادیقی از این «ضرر» باشد. با نگاه به ظاهر و سیاق آیه و نقش (السُّوءُ) در عبارت فعلیه و نظر علما وجه «ضرر» صحیح‌ترین وجه معنایی (السُّوءُ) است. و معانی دیگری که برای این واژه ذکر شده مصادیقی از «ضرر» است. غالب مترجمان اراده معنایی درستی از لفظ کرده‌اند و برخی دیگر نیز دچار چالش توجه به معنای مشهور و ارتکازی لفظ شده‌اند.

وجه یازدهم: قتل و هزیمت

دیگر معنای واژه سوء در استعمال قرآنی را می‌توان قتل و هزیمت برشمرد و این معنایی است که هم مفسران و هم علمای وجوه و نظائر بر آن تصریح کرده‌اند. برخی از آیاتی که لفظ سوء در این معنا در آنها به کاررفته است عبارتند از: (إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا) (احزاب: ۱۷) و (وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا) (اسراء: ۷).

ارزیابی اراده معنا در ترجمه‌های فارسی

(فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ) (آل عمران: ۱۷۴)

(سُوءٌ) فاعل است برای (لَمْ يَمْسَسْهُمْ) و جمله در محل نصب حال است. و مفهوم از (سُوءٌ) (اذیت شدن از جراحت یا قتل یا کید و حيله دشمن) است (دره، ۱۴۳۰، ج ۲: ۳۱۴). طبری مراد از آن را نرسیدن «مکروه و اذیتی از دشمن» در نظر گرفته است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴: ۱۲۱). طبرسی به نقل از سدی آن را «قتل» معنا کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۸۸۹). ابوالفتوح رازی در روض الجنان مفهوم از آن را «قتل، جراحت و مکروه» می‌داند (رازی، ۱۴۰۸، ج ۵: ۱۶۹) ولی مکارم عبارت (لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ) را در تفسیر نمونه به این صورت ترجمه کرده است: «آنها در این جریان، کوچکترین ناراحتی ندیدند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۱۷۷) ولی همان طور که ذکر شد «ناراحتی» مناسب این مقام نیست.

اغلب مترجمان (سُوءٌ) را در این آیه «بدی، آسیب و گزند» ترجمه کرده‌اند. کایانپور، حجتی، بروجرودی، الهی قمشهای و ارفع، «رنج و ناراحتی» ترجمه کرده‌اند. نوبری «اذیت»، یاسری «بدی و زحمتی»، دهلوی «سختی»، نسفی «نکبت» و بهرام پور «زیان»، معنا کرده‌اند. با توجه به ظاهر آیه و سیاق آیه که در مورد جنگ احد است؛ از نرسیدن «سوء» در جنگ به مفهوم «جراحت، قتل و اسارت» می‌رسیم. و معانی مانند «اذیت، زحمت، سختی، نکبت و زیان» مناسب این مقام نیست ولی مترجمان دچار اراده معنای مشهور و ارتكازی از لفظ شده‌اند و اراده معنایی مناسبی نداشته‌اند.

وجه دوازدهم: سرقت

آخرین معنایی که برای لفظ سوء در قرآن کریم می‌توان نام برد سرقت است البته این معنا چندان مشهور نیست و استعمال کمی نیز دارد و صرفاً برخی مفسران ذیل آیه ۱۱۰ سوره نساء لفظ را در این معنا تفسیر کرده‌اند و برخی معتقدند که مراد از آن هر نوع گناهی است. در میان علمای وجوه و نظایر نیز این معنا فقط توسط الحیری نیشابوری معرفی شده است و دیگر وجوه شناسان این وجه را ذکر نکرده‌اند.

ارزیابی اراده معنا در ترجمه‌های فارسی

(وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا) (نساء: ۱۱۰)

(سُوءًا) مفعول به است برای (يَعْمَلُ) است. و منظور از آن عمل بدی است که دیگری را بدنام کند، مانند سرقت ابو طعمه از قتاده (دره، ۱۴۳۰، ج ۲: ۶۱۳). زمخشری و طبرسی منظور از (سُوءًا) را عمل زشت و تجاوز کارانه می‌دانند که دیگران را با آن بدنام کنند، چنانکه ابو طعمه (دزدی) نسبت به قتاده و مرد یهودی انجام داد همچنین میبیدی و ابوالفتوح رازی نیز «سرقت» معنا کرده‌اند؛ ولی حمل به عمومیت را نیز خلاف ندانسته‌اند. یعنی «سوء» می‌تواند هر گناهی باشد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۶۳؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۸۷؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۶۸۱؛ رازی، ۱۴۰۸، ج ۶: ۱۰۷). مقاتل بن سلیمان، (سُوءًا) را «إثم» معنا کرده، یعنی گناهی که انجامش حلال نیست (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱: ۴۰۶). طبرسی در مجمع البیان «گناه و امری قبیح» معنا کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۶۵). علامه طباطبایی نیز ذیل این آیه مفهوم از (سُوءًا) را تعدی به دیگران و مراد از ظلم به نفس را تعدی به نفس خود دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۷۴).

اکثر مترجمان آن را «کار بد، بدی و زشتی» ترجمه کرده‌اند. نوبری، سراج و ارفع آن را «گناه» معنا کرده‌اند.

چنانکه از ظاهر آیه نمایان است گروه خاصی مورد خطاب نیست؛ و حمل بر عموم گناهان عیبی ندارد. ولی ذیل آیه ۱۰۵ همین سوره داستان ابوطعمه و دزدی او از قتاده سبب نزول آیه ذکر شده است و به نظر می‌رسد نیشابوری نیز به این قید وجه سرقت را از (سوءاً) در آیه ۱۱۰ سوره نساء انتخاب کرده باشد. ولی با نگاهی به داستان ابوطعمه در کتاب اسباب نزول واحدی (واحدی، ۱۴۱۱: ۱۸۳) درمی‌یابیم که این داستان با عصمت پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) مطابقت ندارد. زیرا که در داستان آمده ابوطعمه از قتاده دزدی کرده و در خانه مرد یهودی زید بن سمین پنهان کرده بود. زره را در خانه ابوطعمه نیافتند و چون زره داخل کیسه آرد سوراخ شده بود به دنبال رد آرد رفتند و زره را در خانه مرد یهودی یافتند برای اینکه قوم ابوطعمه یعنی بنی ظفر خواستند او را تبرئه کنند گفتند داوری را پیش پیامبر (ص) ببریم تا این برابر یهودی از ما دفاع کند تا آبروی ابوطعمه نرود و پیامبر (ص) هم چنین قصدی داشت که آیه ۱۰۵ سوره نساء نازل شد و گفت «طرفداری از خیانتکار مکن»؛ در حالی که از عصمت پیامبر به دور است که بخواهد به نفع و ضرر کسی داوری کند.

با توجه به ظاهر آیه و نظر مفسران وجه صحیح (سوءاً) در این آیه «گناه» است و «سرقت» مصداقی از این گناه است؛ لذا ترجمه به هر یکی از این دو معنا صحیح است؛ ولی چنانچه مشاهده شد اکثر مترجمان معنای (کارید، بدی و...) را اراده کرده‌اند که همان آسیب توجه بیش از حد به معنای مشهور و ارتکازی لفظ است.

نتیجه

با بررسی واژه سوء در قرآن کریم درمی‌یابیم که دانشمندان علوم اسلامی و قرآنی معانی مختلفی را برای این واژه ذکر کرده‌اند و سیاق و قرینه آیات نقش تعیین کننده‌ای در تبیین و تعیین این معنا دارد به عنوان نمونه لفظ «السوء» به هنگام ترکیب با «عذاب» و «حساب» (سوءالعذاب و سوءالحساب) معنای «شدت و سختی» دارد. گرچه می‌شود این واژه را به بدی و ناگواری معنی کرد که معنای مشهور و ارتکازی لفظ است ولی در بسیاری موارد با توجه به سیاق و بافت آیات معانی خاصی را نیز شامل می‌شود؛ که رسیدن به آن معانی، دقت و توجه کافی را می‌طلبد و باعث می‌شود درک و فهم آیات و منظور دقیق خداوند با دقت حاصل شود.

با توجه به بررسی وجوه واژه «السوء» در جای جای قرآن کریم دوازده وجه معنایی دقیق را برای این واژه در قرآن کریم میتوان برشمرد که عبارتند از: ۱) شدت و سختی، ۲) عقر (پی کردن)، ۳) زنا، ۴) برص (مرض پیسی)، ۵) عذاب، ۶) شرک، ۷) شتم و ضرب، ۸) گناه، ۹) جایگاه و فرجام بد، ۱۰) ضرر و گرفتاری، ۱۱) قتل و هزیمت، ۱۲) سرقت. برخی از این معانی کاربرد بیشتری در قرآن کریم دارد که از جمله آن می‌توان شدت و سختی و گناه را نام برد و برخی دیگر از معانی بسیار کم کاربرد هستند که سرقت از جمله این نوع از معانی است.

مترجمان فارسی قرآن کریم و تفاسیر آن در بسیاری از موارد به هنگام ترجمه این واژه دچار چالش توجه بیش از حد به معنای مشهور و ارتکازی واژه شده‌اند و آن را به عباراتی همچون «بدی، کار بد و...» ترجمه کرده‌اند؛ لذا گاهی معنای نه چندان دقیق و صحیحی را نیز برای این واژه ارائه کرده‌اند که مناسب مقام و جایگاه آیه و واژه نیست. در میان مترجمان آقای انصاریان توجه بیشتری به ذووجه بودن واژه «السوء» داشته است.

منابع و مراجع

*قرآن کریم.

*نهج البلاغه.

[۱] ترجمه‌های قرآن کریم: (۱) آدینه وند (۲) آیتی (۳) ارفع (۴) الهی قمشه‌ای (۵) انصاریان (۶) برزی (۷) بروجردی (۸) پاینده (۹) پورجوادی (۱۰) حجتی (۱۱) رضایی (۱۲) سراج (۱۳) شعرانی (۱۴) صفوی (۱۵) صفی علیشاه (۱۶) صلواتی (۱۷) طاهری (۱۸) عاملی (۱۹) جلال الدین فارسی (۲۰) فولادوند (۲۱) کاویانیپور (۲۲) گرمارودی (۲۳) مشکینی (۲۴) مصباح زاده (۲۵) معزی (۲۶) مکارم (۲۷) نوبری (۲۸) یاسری

[۲] الأبیاری، ابراهیم، (۱۴۰۵.ق) الموسوعة القرآنیة، مؤسسة سجل العرب.

[۳] ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴.ق)، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

[۴] ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، (۱۴۱۱.ق)، تفسیر غریب القرآن، چاپ اول، بیروت، دار و مکتبه الهلال.

[۵] احمدیان، عبدالله، (۱۳۸۲.ش)، قرآن شناسی، چاپ دوم، تهران، نشر احسان.

[۶] تفلیمی، حبیب بن ابراهیم، (۱۳۷۱.ش)، وجوه و نظائر، دکتر مهدی محقق، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.

[۷] ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲.ق)، الكشف والبیان المعروف تفسیر ثعلبی، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

[۸] حیری نیشابوری، اسماعیل بن احمد، (۱۴۲۲.ق)، وجوه القرآن، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.

[۹] خرم دل، مصطفی، (۱۳۸۴.ش)، تفسیر نور (خرم دل)، چاپ چهارم، تهران، احسان.

[۱۰] خسروانی، علیرضا، (۱۳۹۰.ق)، تفسیر خسروی، چاپ اول، تهران، کتابفروشی اسلامیه.

[۱۱] دامغانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶.ق)، الوجوه و النظائر لالفاظ کتاب الله العزیز، مصر، قاهره، جمهوری مصر العربیه وزاره الاوقاف.

[۱۲] دره، محمد علی طه، (۱۴۳۰.ق)، تفسیر القرآن الکریم و اعرابه و بیان، چاپ اول، بیروت، دار ابن کثیر.

[۱۳] رازی، ابوالفتح حسین بن علی، (۱۴۰۸.ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی.

[۱۴] رهنما، زین العابدین، (۱۳۵۴.ش)، قرآن مجید با ترجمه و جمع آوری تفسیر، چاپ اول، تهران.

[۱۵] زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷.ق)، الكشف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت، دارالکتاب العربی.

[۱۶] سلوی، محمد العوا، (۱۳۸۲.ش)، بررسی زبانشناختی وجوه و نظائر در قرآن، (سید حسین سیدی)، چاپ اول، مشهد، به نشر.

[۱۶] سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶.ق)، تفسیر السمرقندی المسمی بحرالعلوم، بیروت، دارالفکر.

[۱۷] سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۳۸۰.ش)، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، مترجم: مهدی حائری قزوین، چاپ سوم، تهران، امیر کبیر.

[۱۹] صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، (د.ت)، المحيط فی اللغة، چاپ اول، بیروت، عالم الکتب.

[۲۰] صافی، محمود، (۱۴۱۸.ق)، الجدول فی اعراب القرآن الکریم، چاپ چهارم، دمشق، دار الرشید.

[۲۱] طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۰.ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

[۲۲] طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲.ق)، جوامع الجامع، چاپ اول، قم، حوزه علمیه قم.

[۲۳] طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲.ش)، مجمع البیان، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو.

- [۲۴] طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ه.ق)، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه.
- [۲۵] عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۴۲۸ ه.ق)، **تصحیح الوجوه والنظائر**، مصر، قاهره، مکتبه ثقافه الدینیة.
- [۲۶] فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ ه.ق)، **تفسیر الصافی**، تهران، مکتبه الصدر.
- [۲۷] قرشی بناپی، علی اکبر، (۱۳۷۵ ه.ش)، **تفسیر احسن الحدیث**، چاپ دوم، تهران، بنیاد بعثت.
- [۲۸] قیسی، نوری حمودی، و طائی، ابو زبید. (۱۹۶۷ م). **شعر اَبی زبید الطائی**. ۱ ج. بغداد عراق: مطبعه المعارف.
- [۲۹] کرباسی، محمد جعفر، (د.ت)، **اعراب القرآن**، چاپ اول، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
- [۳۰] مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدایت‌الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی،
- [۳۱] محمودی، محمدباقر، خراسان، محمد مهدی، و دیگران. (۱۳۶۸-۱۴۰۳). **بحار الأنوار**. بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- [۳۲] مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ ه.ق)، **التفسیر الکاشف**، چاپ اول، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- [۳۳] مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ ه.ق)، **تفسیر مقاتل**، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۳۴] مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ ه.ش)، **تفسیر نمونه**، چاپ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- [۳۵] میبدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ ه.ش)، **کشف الأسرار و عدة الأبرار**، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر.
- [۳۶] نسفی، عمر بن محمد، (۱۳۷۶ ه.ش)، **تفسیر نسفی**، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش.
- [۳۷] واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۱ ه.ق)، **أسباب النزول القرآن**، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.